

## Research Article

# Phenomenological Analysis of the Lived Experiences of Adaptive and Maladapted Adolescents from the Perception of the Parent-Child Relationship

S. Hashemi<sup>1</sup>, Z. Amanollahi<sup>1</sup> & T. Nouri<sup>2\*</sup>

1. PhD in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: samira.hashemi.m@gmail.com - Z.amanollahi@yahoo.com

2. Assistant Professor, Research Department of Women and Family Studies, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran. Email: nori.t1363@gmail.com

### Abstract

**Aim:** One of the most important factors in adolescents' psychological and behavioral characteristics is how they perceive the relationship with parents. This qualitative study was conducted with the aim of phenomenological analysis of the lived experiences of adaptive and maladapted adolescents from the perception of the parent-child relationship. **Method:** The participants of this study were among the adolescents in the age group of 13 to 19 who were selected based on purpose. The research method was qualitative interpretive phenomenology. Data collection was performed using a semi-structured interview, which after interviewing 20 people, the participants' responses were saturated. In this study, 115 codes related to research objectives were identified using open coding method. **Results:** The results showed that adaptive and maladaptive adolescents' perceptions of the parent-child relationship were identified in 6 main themes. Negative perceptions of self, negative perceptions of parents, and negative perceptions of the interactions of the three main themes of maladaptive adolescents and the other three main themes; Positive perceptions of self, positive perceptions of parents, and positive perceptions of interactions related to adaptive adolescents were extracted. **Conclusion:** The results showed that adaptive adolescents reported more positive perceptions of themselves in relation to parents and also had a more positive and fruitful view of parents and communicating with them, in contrast to maladapted adolescents in interaction with parents.

**Key words:** *Phenomenological, Adaptive Adolescents, Maladaptive & Perception, Parent-Child*

**Citation:** Hashemi, S., Amanollahi, Z., & Nouri, T. (2023). Phenomenological Analysis of the Lived Experiences of Adaptive and Maladapted Adolescents from the Perception of the Parent-Child Relationship. *Quarterly of Applied Psychology*, 17 (1):61-79.

## تحلیل پدیدارشناسانه تجارب زیسته نوجوانان سازگار و ناسازگار از ادراک رابطه والد - فرزندی

سمیرا هاشمی<sup>۱</sup>، زهرا امان‌اللهی<sup>۱</sup> و طاهره نوری<sup>۲\*</sup>

۱. دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. ایمیل: Z.amanolahi@yahoo.com

samira.hashemi.m@gmail.com

۲. استادیار گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. ایمیل: nori.t1363@gmail.com

### چکیده

**هدف:** از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مشخصه‌های روانی و رفتاری نوجوانان، نحوه ادراک آنان از رابطه با والدین است. این پژوهش کیفی با هدف تحلیل پدیدارشناسانه تجارب زیسته نوجوانان سازگار و ناسازگار از ادراک رابطه والد - فرزندی انجام شد. **روش:** مشارکت‌کنندگان این مطالعه از میان نوجوانان گروه سنی ۱۳ الی ۱۹ که به شیوه مبتنی بر هدف انتخاب شدند. روش تحقیق از نوع کیفی پدیدارشناسی تفسیری بود. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد که پس از مصاحبه با ۲۰ نفر پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به اشباع رسید. در این مطالعه با استفاده از روش کدگذاری باز ۱۱۵ کد مرتبط با اهداف پژوهش شناسایی شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که ادراک نوجوانان سازگار و ناسازگار از رابطه والد-فرزندی در ۶ مضمون اصلی شناسایی شد. ادراکات منفی نسبت به خود، ادراکات منفی نسبت به والدین، و ادراکات منفی نسبت به تعاملات سه مضمون اصلی مربوط به نوجوانان ناسازگار و سه مضمون اصلی دیگر؛ ادراکات مثبت نسبت به خود، ادراکات مثبت نسبت به والدین، و ادراکات مثبت نسبت به تعاملات مربوط به نوجوانان سازگار استخراج شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که نوجوانان سازگار در رابطه با والدین ادراکات مثبت بیشتری نسبت به خود گزارش کردند و همچنین نسبت به والدین و ارتباط برقرار کردن و گفتگو با آنها دید مثبت‌تر و ثمربخش‌تری داشتند، در مقابل نوجوانان ناسازگار در تعامل با والدین هم خود ادراکی منفی را گزارش کردند.

**کلید واژه‌ها:** پدیدارشناسی، نوجوانان سازگار و ناسازگار، ادراک، والد-فرزندی

## مقدمه

دوره نوجوانی دوره‌ای از رشد انسان است که از دیدگاه‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی، اجتماعی قابل بررسی است. این دوره مهم و بحرانی اغلب از شروع بلوغ جسمی تا استقرار استقلال اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (وارن و آلیوا، ۲۰۲۲). در اغلب تعاریف، نوجوانی شامل سنین ۱۰-۱۸ می‌شود با این حال در برخی منابع نیز بازه سنی ۹-۲۶ نیز دیده می‌شود (ای پی‌ای، ۲۰۰۲). دوره میانی نوجوانی (۱۸-۱۵) از مهم‌ترین دوره‌های نوجوانی است؛ چراکه در این سنین (که بیشتر این بازه در سنین مصادف با دوره دبیرستان است) نوجوانان توانایی تفکر منطقی را پیدا می‌کنند. البته توانایی، متفاوت از ظرفیت تفکر منطقی است که در بزرگسالان وجود دارد. مکانیزم تفکر منطقی در نوجوانان به میزان قابل توجهی تحت تأثیر نیروهای بیرونی مانند فشار همسالان دچار نوسان می‌شود (اشتین برگ، ۲۰۱۴). با اینکه در این سنین کارکردهای شناختی انتزاعی و صوری ظهور می‌یابد و ظرفیت تفکر به سمت پیچیده‌تر، انتزاعی‌تر و منطقی‌تر شدن می‌رود، کارآمدی فرآیندهای شناختی و کنترل تکانه همچنان ناپخته و نابالغ است (ریبیرو، فریتاس، روبین و سانتوس، ۲۰۲۲). تحت تأثیر چنین تغییراتی نوجوانان در این سنین اغلب با والدین خود چالش‌ها و ناسازگاری‌هایی خواهند داشت و از طرفی دل‌مشغولی‌های آنان با همسالان خود به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. سلامت روانی و رفتاری نوجوانان در این سنین از حساسیت بالایی برخوردار است و بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که میزان سازگاری‌ها و ناسازگاری‌های نوجوانان در این سنین تحت تأثیر خانواده شکل می‌گیرد. یعنی نوع تعاملاتی که نوجوانان در خانواده با والدین خود دارند نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روانی و رفتاری آنان دارد (پرز، ریز، سرا و گارسیا، ۲۰۱۹).

در این زمینه، سبک‌های والدگری از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که بر آن تمرکز شده است. بامریند (۱۹۹۱) سبک‌های والدگری را بر اساس دو بعد پاسخگویی و مطالبه‌گری، به ۴ گروه تقسیم کردند. والدگری مقتدرانه<sup>۱</sup> با میزان بالای پاسخگویی و مطالبه‌گری مشخص می‌شود. والدین مقتدر نه تنها گرمی و حمایتگری دارند، بلکه قواعدی روشن و هماهنگ وضع می‌کنند. والدگری سلطه‌گرانه<sup>۲</sup> با میزان بالای مطالبه‌گری و میزان پایین پاسخگویی مشخص می‌شود. این والدین اغلب از کنترل‌های خشن و تنبیهات شدید استفاده می‌کنند و در مقابل فضایی برای

<sup>۱</sup> . Authoritative parenting

<sup>۲</sup> . Dominant parenting

توضیح و گفتگو ایجاد نمی‌کنند. والدگری سهل‌گیرانه<sup>۱</sup> نیز با میزان بالای پاسخگویی و میزان پایین مطالبه‌گری مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر اغلب در برابر نیازهای فرزندانشان بسیار پاسخگو هستند اما در قاعده‌گذاری، رفتارهای کنترلی و نظارتی و مطالبه‌کردن رفتارهای بالغانه بسیار ضعیف عمل می‌کنند (میچکوا، ۲۰۲۱).

اغلب تحقیقات از جمله مطالعات (دی لاس ریز و اوهانسن، ۲۰۱۶؛ میراندا، افوسو، اسپوزیتو و باچینی، ۲۰۱۶؛ زوکتو، اپالی، فیجو و آمانو، ۲۰۱۹؛ ایل بیگی و رستمی، ۱۳۹۵؛ سلطانی و زینالی، ۱۳۹۸) نشان دادند که سبک والدگری مقتدرانه بیشترین تأثیر را در عملکرد بهتر نوجوانان و کاهش رفتارهای پر خطر آنان دارد. والدینی که آشکارا و قاطع انتظارات و توضیحات خود را در محیطی گرم در مورد رفتار مناسب به نوجوانان خود بیان می‌کنند، مسئولیت اجتماعی و رفتار اجتماعی درست را در آن‌ها تقویت می‌کنند. اما مؤلفه مهم دیگر که اهمیت بیشتری دارد، ادراک نوجوانان از این رفتارها و سبک‌ها است. یعنی آن چیزی که نوجوانان از رفتار والدینشان درک می‌کنند، عاملی تعیین‌کننده در واکنش‌های آنان دارد. این ادراک با ادراک والدین از رفتار خودشان می‌تواند کاملاً ناسازگار باشد (دی هان، پرینزی، سنتس، جونجرلینگ، ۲۰۱۸). برای مثال ممکن است نوجوان والدین را به‌صورت انتقادگر و یا حتی طردکننده ادراک کند، اما والدین رفتارهای خود را سازنده و حمایت‌گرانه توصیف کنند (هو، بنر، کیم و چن، ۲۰۱۹). به نظر می‌رسد این تفاوت ادراک می‌تواند در ناسازگاری‌های نوجوان نقش بسزایی داشته باشد، خصوصاً وقتی ادراک نوجوانان از رفتارهای والدین بسیار منفی‌تر از ادراک خود والدین باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که پیامدهای رفتاری منفی در نوجوانان بیشتر گردد (کورلیتز و گرابر، ۲۰۱۶). در نتیجه پژوهش‌های بسیاری در ایران به جای اینکه ادراک نوجوانان را از سبک‌های والدگری و رفتارهای والدینشان گزارش کنند؛ به بررسی سبک‌های والدگری پرداخته‌اند و ارتباط آن را با مسائل و مشکلات نوجوان موردسنجش قرار داده‌اند. در پژوهش علوی و رضانی (۱۳۹۹) که به بررسی نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک‌شده و شفقت به خود در پیش‌بینی آمادگی اعتیاد در جوانان پرداختند، نتایج آنان نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر و شفقت به خود به شکل منفی و معنادار و سبک‌های فرزندپروری مستبد و سهل‌گیر به شکل مثبت و معنادار آمادگی اعتیاد را پیش‌بینی کردند. پژوهش والی نژاد، طاوسی، رضابخش، موجمناری و هواسی سومار (۱۴۰۰) نشان دارد که تعارض والد-نوجوان در نوجوانان می‌تواند نقش مؤثری در کاهش جرح خویشتن

<sup>۱</sup> . Easy parenting

غیر خودکشی گرا و ایده پردازی خودکشی داشته باشد. در پژوهش آرمور، جوسمت، مزه و وارین (۲۰۲۲) که به بررسی ارتباط بین فرزندپروری ادراک‌شده و اختلال شخصیت مرزی در نوجوانان پرداختند. نتایج نشان دادند که فرزندپروری آشفته، نقش مهمی در اختلال مرزی اولیه بازی می‌کند. ریبریو، فریتاس، روبین و سانتوس (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی ویژگی‌ها و رضایت نوجوانان جوان ایالات متحده و پرتغال در روابط آن‌ها با مادران، پدران و بهترین دوستان پرداختند. نتایج آنان نشان داد که نوجوانان هر دو کشور روابط خود را با والدین منفی‌تر و نامتعادل‌تر از روابطشان با دوستان می‌دانستند، اما میزان تفاوت‌ها در ایالات متحده آمریکا بیشتر بود. بی، یانگ، وانگ و زانگ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند که در خانواده‌های چینی سبک‌های والدگری بر ارزش‌های جمعی و گروهی، انطباق و سازگاری با هنجارهای اجتماعی، اطاعت از مراجع قدرت، برقراری پیوندهای عمیق و مستحکم با دیگران و اجتناب از مقابله و درگیری با دیگران تأکید شد. نتایج این پژوهش نشان داد که در خانواده‌های چینی، ادراک نوجوانان و والدین آنان از کیفیت رابطه والد - فرزندی در همه سبک‌های والدگری تقریباً یکسان بود. همچنین در این پژوهش نوجوانان گزارش کردند که شیوه‌های سلطه‌گرانه والدین نه به خاطر کنترل‌گری بلکه به جهت نظارت و حمایت از آنان انجام می‌شود. نوجوانان چینی این انگیزه‌های مثبت و مراقبت‌گرانه را ادراک می‌کنند و برای همین شیوه‌های کنترلی والدینشان باعث تعارضات والد-نوجوان نمی‌شود.

مروری بر تحقیقات پیشین داخلی و خارجی نشان می‌دهد که علیرغم ادبیات وسیعی که درباره ادراک رابطه والد - فرزندی وجود دارد اما تحقیقات نظامند محدودی با رویکرد کیفی در این زمینه صورت گرفته است و همچنین پژوهشی که صرفاً به شناسایی و مقایسه ادراک نوجوانان سازگار و ناسازگار از رابطه والد - فرزندی از دیدگاه خود نوجوانان بپردازد، یافت نشد. بر این مبنا شواهد پیشینه تجربی حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق داشت. در نتیجه وجه نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با رویکرد کیفی و به صورت خاص به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق از نگاه و تجارب زیسته نوجوانان می‌پردازد. همچنین از آنجا که در سبک‌های والدگری اغلب فقط بر دو عامل کنترل‌گری و پاسخگویی تأکید شده است و به نظر می‌رسد در ادراک ارتباطی مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارد

---

1. BPD

که به آن‌ها کمتر توجه شده است و والدین در زمینه تحلیل ارتباطات خود با نوجوانانشان به اطلاعات بیشتری نیاز دارند، در نتیجه این پژوهش قصد دارد که به صورت کیفی و با مصاحبه‌های عمیق از نوجوانان سازگار و ناسازگار، تفاوت ادراک آنان را از ارتباط با والدینشان در ابعاد مختلف مشخص کند. لذا به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که تجارب زیسته نوجوانان سازگار و ناسازگار از ادراک رابطه والد-فرزندی چگونه است؟

### روش پژوهش

روش پژوهش مطالعه فعلی از نوع کیفی پدیدارشناسی بود. پدیدارشناسی یک فلسفه و یک روش تحقیق است که برای کشف و درک تجارب زیسته روزمره مردم طراحی شده است (شوشا، ۲۰۱۲). پژوهش حاضر نیز، با استفاده از روش پدیدارشناسی به دنبال شناسایی تجارب نوجوانان سازگار و ناسازگار از ادراک رابطه والد-فرزندی بود. در این پژوهش برای دستیابی به اهداف از روش پژوهش کیفی نوع پدیدارشناسی استفاده شد و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. گروه نمونه از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته مورد ارزیابی قرار گرفت و برای تحلیل یافته‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. جامعه مشارکت‌کننده نوجوانان دختر و پسر سازگار و ناسازگار در بازه سنی ۱۳ الی ۱۹ سال شهر تهران بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بدین صورت که ابتدا از طریق معرفی آشنایان و همکاران و نیز از طریق معرفی اولیای مدارس در دسترس انتخاب شدند. سپس به وسیله پرسشنامه سازگاری، نوجوانان سازگار و ناسازگار تأیید شدند. ملاک ورودی نوجوانان موارد زیر بود: ۱- کسب نمره کمتر از ۳۰ برای نوجوانان ناسازگار و کسب نمره بالاتر از ۳۰ برای نوجوانان سازگار از پرسشنامه سازگاری نوجوانان ۲- نوجوانانی که تمایل به همکاری و مشارکت در پژوهش را داشتند ۳- دختران و پسران نوجوان با گروه سنی ۱۳ الی ۱۹ سال که دارای مسائلی مانند طلاق، اعتیاد، فقر، اختلالات روانی در خانواده هسته‌ای خود نبودند. حجم نمونه به اندازه‌ای انتخاب شد که حداکثر محتوا حاصل شد و به اصطلاح به اشباع رسید. حالت اشباع به وضعیتی گفته شد که پاسخ شرکت‌کنندگان جدید به سؤالات مصاحبه، مشابه همان پاسخ‌هایی بود که شرکت‌کنندگان قبلی ارائه کرده بودند. با توجه به این موضوع در پژوهش حاضر، پس از مصاحبه با ۲۰ نفر (۱۰ نوجوان سازگار و ۱۰ نوجوان ناسازگار) پاسخ‌های افراد به حالت اشباع رسید. زمان و مکان مصاحبه با اختیار کامل مصاحبه‌شوندگان تنظیم شد. هر

مصاحبه حدود یک ساعت به طول انجامید. با اجازه شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و بلافاصله پس از پیاده‌سازی، تحلیل شدند.

### ابزار پژوهش

ابزار اصلی برای جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در این مصاحبه شامل ۱۸ پرسش بود. سؤالاتی از رابطه والد-فرزندی و ادراک و تجارب آنان از سبک‌های والدگری والدینشان مطرح شد. برای تعیین روایی محتوایی پرسش‌ها هر ۱۸ سؤال به چهار استاد روانشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی (ره) تحویل داده شد و درخواست شد که در مورد کمیت و کیفیت سؤالات نظر بدهند و اگر سؤال دیگری در نظر دارند، اضافه کنند. سؤالاتی مثل ادراک شما از رابطه با والدینتان چگونه است؟ سبک ارتباطی والدینتان با شما چگونه است؟ تجارب خود را از سبک‌های والدگری والدینتان بیان کنید؟ از جمله پرسش‌هایی بود که از همه نوجوانان پرسیده شد. در پژوهش حاضر برای تضمین قابلیت اعتبار یافته‌ها، پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه دوباره به شرکت‌کنندگان مراجعه و صحت مطالب از آن‌ها جویا گردید. برای دستیابی به قابلیت اتکا پژوهشگران از راهنمایی و نظارت اساتید صاحب‌نظر استفاده گردید. به‌منظور تعیین تائیدپذیری، پژوهشگران سعی کردند که پیش‌فرض‌های خود را تا حد امکان در روند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها دخالت ندهند. به‌منظور رعایت موازین اخلاقی و حفظ حریم آزمودنی‌ها همه ضوابط تعیین‌شده در حوزه اخلاق پژوهش از جمله تکمیل برگه رضایت آگاهانه از سوی آزمودنی‌ها رعایت گردید. به‌منظور کدگذاری محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده از کدگذاری باز یا آزاد استفاده شد و کدگذاری به‌وسیله دو نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد مشاوره آموزش‌دیده انجام شد.

### یافته‌های پژوهش

سیمای کلی از ویژگی‌ها جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان که مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختاریافته قرار گرفتند در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌ها جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه

میانگین سن	میانگین تفکیکی نمره سازگاری	میانگین نمره سازگاری	جامعه مورد مطالعه
			دختر و پسر
۱۶	۳۷/۷	دختر	نوجوانان سازگار ۳۵/۲
۱۸	۳۳/۱	پسر	
۱۵	۲۵/۲	دختر	نوجوانان ناسازگار ۲۳/۷
۱۷	۲۴/۶	پسر	
۱۶/۷	۳۸/۹	دختر	کل ۳۶/۳
۱۸/۸	۳۴/۳	پسر	

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در نمونه پژوهش حاضر میانگین کل سن دختران ۱۶/۷ سال و میانگین کل سن پسران ۱۸/۸ بود. میانگین کل نمره سازگاری نوجوانان سازگار ۳۵/۲ و میانگین کل نمره سازگاری نوجوانان ناسازگار ۲۳/۷۰ به دست آمد.

در این پژوهش پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل و کدبندی آن‌ها خرده مضامین و مضامین اصلی شناسایی شدند. در نهایت تحلیل داده‌ها منجر به ظهور ۶ مضمون اصلی و ۱۲ خرده مضامین شد که در جدول شماره ۲ توصیف شده است.

## جدول ۲. خرده مضامین و مضامین اصلی ادراکات نوجوانان سازگار

مضامین اصلی	خرده مضامین	کدهای اولیه
ادراک مثبت نسبت به خود	پذیرش عاطفی	دوست‌داشتنی بودن، محیط امن عاطفی، پذیرش احساسات، انعطاف‌پذیری عاطفی
	کارآمدی	موردتوجه بودن، توانمندی، پذیرش اشتباهات، پذیرای تجربیات، درک نقاط قوت و ضعف، مصمم بودن، ایجاد حس غرور و افتخار شخصی در فرزند
ادراک مثبت نسبت به والدین	والدین ایثارگر	اولویت بودن خواسته‌های فرزند، در نظر نگرفتن برخی منافع خود، داشتن انتظارات واقع‌گرایانه، توجه مثبت کلامی و غیرکلامی



	والدین به‌روز	آشنایی با مسائل روز، مهرورزی والدین، والد حمایتگر، توجه به تغییرات نسلی، تقویت توصیفی، تقویت امتیازی، تقویت القایی، محبت جسمانی و نشان دادن عواطف
ادراک مثبت نسبت به تعاملات	ارتباط مشارکتی	داشتن احساس آزادی، مشارکت در تصمیم‌های خانوادگی، رابطه مثبت و حمایتی والد - فرزند، سطح بالای گرمی و پذیرش، ایجاد تعاملات مثبت یادگیری، ایجاد مقررات واضح و بدون ابهام در خانه، برخورد با زیر پا گذاشتن مقررات از طریق بحث هدایت‌شده
	گفت‌وگوی ثمربخش	احساس امنیت، سطح پایین انتقاد، استرس و پرخاشگری پایین، رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، مهرورزی در گفتگو، منطقی بودن بحث، حل مسئله

## جدول ۳. خرده مضامین و مضامین اصلی ادراکات نوجوانان ناسازگار

مضامین اصلی	خرده مضامین	کدهای اولیه
ادراکات منفی نسبت به خود	ادراک طرد عاطفی	دوست‌داستانی نبودن، نادیده گرفته شدن، مهم نبودن، تنفر، بریدگی و طرد، خودانضباطی ناکافی، احساس رهاشدگی
	ادراک ناکارآمدی	بی‌کفایتی، مقایسه‌شدن، عدم پذیرش اشتباهات، وابستگی، سردرگمی نقش، بی‌اعتمادی
ادراکات منفی نسبت به والدین	والدین خودمحور	بی‌توجهی به خواسته‌های فرزند، توجه صرف به مسائل خود (والدین)، خودمحوری والدین
	والدین گذشته‌نگر (به‌روز نبودن والدین)	به‌روز نبودن اطلاعات والدین، به‌روز نبودن ارزش‌های والدین، محرومیت هیجانی، درگیری
ادراکات منفی نسبت به تعاملات	ارتباط کنترل‌گرایانه	احساس اجبار در رابطه، احساس بی‌انصافی در رابطه، عیب‌جویی افراطی، معیارهای سرسختانه، نظارت و کنترل بیش‌ازحد، خشونت خانگی و بدرفتاری با فرزندان
	گفت‌وگوی بی‌ثمر	احساس تنش در گفتگو، احساس عدم درک در گفتگو، احساس بن‌بست در گفتگو، احساس بزرگ‌منشی در گفتگو، والدگری سخت‌گیرانه، پرخاشگری کلامی، آزرده‌گی در گفتگو

همان‌گونه که مشاهده شد ادراکات نوجوانان سازگار و ناسازگار در قالب ۶ مضمون اصلی ادراکات منفی نسبت به خود، ادراکات منفی نسبت به والدین، ادراکات منفی نسبت به تعاملات، ادراکات مثبت نسبت به خود، ادراکات مثبت نسبت به والدین و ادراکات مثبت نسبت به تعاملات جای گرفتند. در ادامه به توضیح مضامین اصلی و خرده مضامین‌ها به همراه مصداق‌های مطرح‌شده توسط پاسخگویان پرداخته می‌شود:

### ادراکات نوجوانان سازگار:

آن‌چنان‌که از نتایج پیداست ادراکات نوجوانان سازگار در قالب ۳ مضمون اصلی ادراکات مثبت نسبت به خود، ادراکات مثبت نسبت به والدین و ادراکات مثبت نسبت به تعاملات جای گرفتند. ادراکات مثبت نسبت به خود در قالب ۲ مضمون فرعی؛ پذیرش عاطفی و کارآمدی شناسایی شدند. طبق اظهارات نوجوانان سازگار، کیفیت رابطه والد - فرزندی آنان به شیوه‌ای بود که منجر شده بود که آنان ادراک مثبتی نسبت به خود داشته باشند. بر همین مبنا شرکت‌کنندگان به مفاهیمی همانند «دوست‌داشتنی بودن، محیط امن عاطفی، پذیرش احساسات، انعطاف‌پذیری عاطفی، موردتوجه بودن، توانمندی، پذیرش اشتباهات، پذیرای تجربیات، درک نقاط قوت و ضعف، مصمم بودن، ایجاد حس غرور و افتخار شخصی» اشاره کردند. برخی از مصداق‌های آن در زیر ذکر می‌شود: به‌طور مثال شرکت‌کننده کد ۲ اظهار داشت: «خب من واقعاً میدونم که بابا مامانم خیلی ما (فرزندان) رو دوست دارن و همه زندگیشون رو برامون گذاشتن، طوری با ما رفتار می‌کنند که به صورت عملی و کلامی دوست داشته شدن از سوی آنان را حس می‌کنیم». شرکت‌کننده کد ۵ اظهار داشت: «این خیلی مهمه که اگه من یه چیزی میگم یا یه چیزی میخوام اونا (والدین) نسبت بهش بی‌تفاوت نیستن؛ اگر برام مناسب نباشه باهام حرف میزنن و گفتگو می‌کنیم تا به نتیجه‌ای برسیم که فهم مشترکی حاصل بشه». اکثر شرکت‌کنندگان مطرح کردند که تعامل والدین با آنان به صورتی است که نوجوان احساس کارآمدی و توانایی می‌کند و افزایش اعتمادبه‌نفس را برای آنان در بردارد. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده کد ۶ مطرح کرد: «مامان من سرکوفت بهم نمیزنه، بهم میگه تو اگه خودت بخوای و تلاش کنی هر کاری رو می‌تونی انجام بدی و خیلی تشویقم می‌کنه». شرکت‌کننده دیگری گفت: «اونجوری نیست که مثلاً اگه یه اشتباهی کنم بترسم که چه جوری باهام برخورد میکنن، میگن خب تجربه است دفعه بعد بیشتر تلاش کن». شرکت‌کننده کد ۱۰ گفت: «وقتی مرتکب اشتباهی میشم

والدینم احساسات من رو درک میکنن، همدلی باهام میکنن، احساس افتخار می‌کنم که چنین والدینی رو دارم». یکی دیگر از شرکت‌کنندگان مطرح کرد: «تئیدگی عاطفی نداریم، والدینم از نظر عاطفی منعطف هستند؛ متناسب با نقاط قوت و ضعفم با من رفتار میکنن».

تحلیل یافته‌ها نشان داد که یکی دیگر از ادراکات تجربه شده توسط نوجوانان سازگار، ادراکات مثبت نسبت به والدین بود که از خرده مضامین والدین ایثارگر و والدین به‌روز به وجود آمده بود. در این زمینه شرکت‌کنندگان مفاهیمی همانند «اولویت بودن خواسته‌های فرزند، در نظر نگرفتن برخی منافع خود، داشتن انتظارات واقع‌گرایانه، توجه مثبت کلامی و غیرکلامی، آشنایی با مسائل روز، مهرورزی والدین، والد حمایتگر، توجه به تغییرات نسلی، تقویت تو صیفی، تقویت امتیازی، تقویت القایی، محبت جسمانی و نشان دادن عواطف» را عنوان نمودند. در این مورد شرکت‌کننده کد ۳ گفت: «من هر چیزی که واقعاً بهش نیاز داشتم و دوست داشتم؛ والدینم تلاش میکنن برام تهیه کنن، نه اینکه بگم حالا همه چیز رو ولی اون کارایی که برام مهم بوده؛ و بهشون واقعاً نیاز داشتم برام آماده کردند و همیشه اول ما رو در نظر می‌گیرن». شرکت‌کننده کد ۷ مطرح کرد: «خب من می‌بینم که واقعاً مثلاً خودشون به چیز نیاز دارن نمی‌گیرن ولی واسه من می‌گیرن، یا مامانم می‌تونست بره سرکار ولی بعد از تولد داشتم دیگه نرفت که بیشتر به ما برسه». شرکت‌کننده کد ۴ بیان کرد: «می‌بینم با اینکه پدرم خسته است صبح می‌ره و شب میاد خونه؛ ولی به ما توجه می‌کنه بعد از نیم ساعت استراحت به ما توجه می‌کنه از ما می‌پرسه راجع اینکه روزمون رو چطور گذروندیم و هم کلامی و هم غیرکلامی توجه ویژه‌ای به ما داره». شرکت‌کننده دیگری گفت: «مامانم زیاد وارد نیست ولی بابام خیلی از این چیزای جدید که میاد (ابزارها و اپلیکیشن‌ها) رو می‌شناسه و می‌گه خوبی و بدیش چیه». شرکت‌کننده کد ۵ عنوان کرد: «مامان بابای من اینجوری نیستن که مثلاً بگن چون ما قدیم اینجوری بودیم و اونجوری بودیم الان شمام باید این کارا رو بکنید، بیشتر منطقی هستن، واقع نگر هستن و به خواسته‌ها و سلايقمون احترام می‌زارن».

همچنین شرکت‌کنندگان به دو مضمون فرعی از جمله؛ ارتباط مشارکتی و گفتگوی ثمربخش اشاره کردند که در ادراکات مثبت آنان نسبت به تعاملات رابطه والد-فرزندی نقش مؤثری داشته است. آنان مفاهیمی همانند «داشتن احساس آزادی، مشارکت در تصمیم‌های خانوادگی، رابطه مثبت و حمایتی والد-فرزند، سطح بالای گرمی و پذیرش، ایجاد تعاملات مثبت یادگیری، ایجاد مقررات واضح و بدون ابهام در خانه، برخورد با زیر پا گذاشتن مقررات از طریق بحث هدایت‌شده،

احساس امنیت، سطح پایین انتقاد، استرس و پرخاشگری پایین، رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، مهرورزی در گفتگو، منطقی بودن بحث، حل مسئله» گزارش دادند. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده کد ۸ اظهار داشت: «تو خانواده ما اونجوری نیست که بچه‌ها رو مجبور کنی، مخصوصاً بابام صحبت می‌کنه، مزایا و معایب اون مسئله رو می‌گه و بعدم می‌گه هر جور که خودت میدونی تصمیم بگیر». شرکت‌کننده کد ۹ گفت: «مثلاً می‌خوایم مسافرت بریم یا می‌خوان ماشین بخرن یا گوشی بخرن ما هم نظر میدیم حتی بابام هر وقت می‌خواد لباس بخره می‌گه بچه‌هامم باید باشن، به نظر ما خیلی احترام می‌زارن». شرکت‌کننده کد ۱ بیان کرد: «خب چون بابا و مامانم منطقی برخورد می‌کنن آدم راحت‌تر که حرفاشو بزنه خیلی نگران این نیستیم که مثلاً الان دعوا میشه یا دعوامون می‌کنن، کلاً ماها راحت با هم حرف می‌زنیم و هر چیزی بشه رو به هم می‌گیم». شرکت‌کننده دیگری اظهار کرد: «من و خواهرم کلاً هر وقت مشکل داریم با مامانمون درمیون می‌زاریم و با همدیگه براش راه‌حل پیدا می‌کنیم».

### ادراکات نوجوانان ناسازگار

ادراکات نوجوانان ناسازگار در سه مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند که شامل ادراکات منفی نسبت به خود، ادراکات منفی نسبت به والدین و ادراکات منفی نسبت به تعاملات بودند. شرح مضامین مذکور در ادامه به همراه مصادیق آن آمده است.

شرکت‌کنندگان گزارش کردند که از رابطه والد - فرزندی ادراک منفی نسبت به خود را تجربه کرده‌اند. اکثر شرکت‌کنندگان از رابطه والد - فرزندی دو خرده مضمون احساس طرد منفی و احساس ناکارآمدی را درک کرده بودند. بر همین اساس مفاهیمی همچون «دوست‌داشتنی نبودن، نادیده گرفته شدن، مهم نبودن، تنفر، بریدگی و طرد، خودانضباطی ناکافی خود والدین، احساس رهاشدگی، بی‌کفایتی، مقایسه‌شدن، عدم پذیرش اشتباهات، سردرگمی نقش، بی‌اعتمادی» عنوان نمودند. به‌عنوان مثال کد ۱۱ گفت: «رفتار والدینم طوری هست که خیلی وقتاً احساس می‌کنم اصلاً دوستم ندارن یا انگار اصلاً وجود ندارم، بود و نبودم فرقی براشون نداره». شرکت‌کننده کد ۱۴ در این باره اظهار کرد: «وقتی اصلاً به حرفام گوش نمیدن یعنی مهم نیستم براشون دیگه؛ از نظر مامان و بابای من، من هیچ کاری رو درست انجام نمی‌دم». شرکت‌کننده دیگری گفت: «واسه اونا فقط بچه‌های بقیه مردم خوبن، من هر کاری هم بکنم به چشمشون نمیاد». شرکت‌کننده کد ۱۲ عنوان کرد: «اگه کوچک‌ترین اشتباهی کنی می‌گن دیدی

گفتیم دیدی نتونستی همش منتظرن از آدم آتو بگیرن». یکی دیگر از ادراکات نوجوانان ناسازگار از رابطه والد-فرزندی، ادراکات منفی نسبت به والدین بود. مشارکت‌کنندگان مطرح نمودند که والدین آنان به صورت والد خودمحور و والد گذشته‌نگر بودند که این شیوه باعث شده بود که آنان نگرش منفی نسبت به والد خود داشته باشند. طبق اظهارات شرکت‌کنندگان بی‌توجهی به خواسته‌های فرزند، توجه صرف به مسائل خود (والدین)، خودمحوری والدین، به‌روز نبودن اطلاعات والدین، به‌روز نبودن ارزش‌های والدین، محرومیت هیجانی منجر به درگیری آنان با والدینشان می‌گردید و ادراک منفی از والدین در آنان به وجود می‌آورد. به‌عنوان مثال کد ۱۴ در این‌باره گفت: «اصلاً برای اونا مهم نیست که خود من چی می‌خوام چی دوست دارم چی نیاز دارم؛ فقط خواسته و طرز فکر خودشون مهمه». شرکت‌کننده دیگری مطرح کرد: «والا مامان بابای من آنقدر گیر کارای خودشون و برنامه‌های خودشون دیگه فرصت ندارن به کس دیگه‌ای فکر کنن». شرکت‌کننده کد ۱۵ گفت: «مادر من فقط گیر میده که اینقدر با گوشه‌ور و نرو؛ اصلاً نمیدونه که بابا خب الان همه کارای آدم با گوشه‌ور هس مگه میشه گذاشتش کنار». شرکت‌کننده کد ۱۷ گفت: «بابا مامان من هنوز تو گذشته زندگی می‌کنن کارای من از نظر اونا غلطه و کارای اونا منظر من».

تجربه شرکت‌کنندگان نشان داد که آن‌ها نمی‌توانند ارتباط نزدیکی با والدین خود داشته باشند؛ زیرا ارتباط والدین با آنان به شیوه ارتباطی کنترل‌گرایانه بود که منجر به گفتگوی بی‌ثمری بین آنان می‌گردید. بر همین اساس شرکت‌کنندگان مفاهیمی همانند «احساس اجبار در رابطه، احساس بی‌انصافی در رابطه، عیب‌جویی افراطی، معیارهای سرسختانه، نظارت و کنترل بیش‌ازحد، خشونت خانگی، بدرفتاری با فرزندان، احساس تنش در گفتگو، احساس عدم درک در گفتگو، احساس بن‌بست در گفتگو، احساس بزرگ‌منشی در گفتگو، والدگری سخت‌گیرانه، پرخاشگری کلامی، آزرده‌گی در گفتگو» گزارش کردند. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده کد ۱۸ اظهار کرد: «تو رابطه ما کلاً حرف حرفه اوناست هر چیزی که اونا می‌خوان و می‌گن باید اجرا بشه». شرکت‌کننده کد ۲۰ گفت: «نمیشه که همه چیز به طرفه باشه، همه قوانین مال ماست ولی خودشون نه، هر کاری بخوان بکنن کسی نباید بگه چرا». شرکت‌کننده کد ۱۹ گفت: «همیشه از اینکه بخوام باهاشون حرف بزنم استرس می‌گیرم و حس بدی دارم؛ هر وقت حرف می‌زنیم آخرش هر کی حرف خودشو میزنه، من حرف اونا رو نمی‌فهمم اونا حرف منو نمی‌فهمن؛ به همین دلیل من کلاً زیاد باهاشون حرف نمی‌زنم چون فایده‌ای نداره آخرش هیچ نتیجه‌ای نداره».

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل پدیدارشناسی تجارب زیسته نوجوانان سازگار و ناسازگار از ادراک رابطه والد - فرزندی انجام شد. این پژوهش به صورت کیفی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق ادراکات نوجوانان سازگار و ناسازگار از رابطه والد-فرزندی را شناسایی کرد. در این مطالعه نشان داده شد که نوجوانان سازگار و ناسازگار از رابطه والد - فرزندی ادراکات متفاوتی را تجربه کردند که نتایج یافت شده در قالب ۳ مضمون اصلی ادراکات نسبت به خود، ادراکات نسبت به والدین و ادراکات نسبت به تعاملات در هر کدام از گروه‌ها به دست آمد. ادراکات منفی نسبت به خود در گروه نوجوانان ناسازگار، شامل دو خرده مضمون ادراک طرد عاطفی و ادراک ناکارآمدی بود. نوجوانان ناسازگار بیان داشتند که در رابطه با والدینشان احساس دوست‌داشتنی بودن و موردتوجه بودن نمی‌کردند، ادراک می‌کردند که والدینشان آن‌ها را قبول نداشته و کارها و اعمال آن‌ها را مورد سرزنش قرار می‌دادند. این نوجوانان بیان داشتند که وقتی در تعامل با والدینشان بودند حس مثبتی نسبت به خود نداشتند و همواره با دیگران مقایسه می‌شدند و ادراک می‌کردند همیشه ناامیدکننده والدین بودند و نمی‌توانستند رضایت آنان را جلب نمایند. در مقابل، ادراکات نوجوانان سازگار نسبت به خود؛ شامل دو خرده مضمون ادراک پذیرش عاطفی و ادراک کارآمدی بود. این نوجوانان در تعاملاتشان با والدین احساس دوست‌داشتنی بودن، ارزشمند بودن و موردتوجه بودن می‌کردند و اظهار نمودند که والدین همواره به آنان احساس توانمند بودن می‌دادند و استعدادها و توانایی‌های آنان را موردتوجه و تشویق قرار می‌دادند. خرده مضامین این مضمون شامل؛ دوست‌داشتنی بودن، محیط امن عاطفی، پذیرش احساسات، انعطاف‌پذیری عاطفی، موردتوجه بودن، توانمندی، پذیرش اشتباهات، پذیرای تجربیات، درک نقاط قوت و ضعف، مصمم بودن، ایجاد حس غرور و افتخار شخصی بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پرز و همکاران (۲۰۱۹)، زوکتو و همکاران (۲۰۱۹)، ریبریرو و همکاران (۲۰۲۲)، چنتسوا و همکاران (۲۰۲۰) همخوان بود که گزارش کردند ادراکات مثبت و منفی از رابطه والد فرزندی با ادراکات مثبت و منفی از خود و نیز کارآمدی‌های شخصی نوجوانان مرتبط است. مضمون اصلی دیگر، ادراکات نوجوانان نسبت به والدین بود. تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین ادراکات نوجوانان سازگار و ناسازگار در زمینه ادراکاتی که آنان از والدینشان داشتند و اینکه آنان را چگونه اشخاصی ارزیابی می‌کردند، تفاوت وجود داشت. دو مضمون مربوط به این مؤلفه در گروه نوجوانان ناسازگار، ادراک والدین خودمحور و گذشته‌نگر بود. خرده مضامین این مضمون شامل؛ بی‌توجهی به خواسته‌های

فرزند، توجه صرف به مسائل خود، خودمحوری والدین، به روز نبودن اطلاعات والدین، به روز نبودن ارزش‌های والدین، محرومیت هیجانی بود. طبق گزارشات نوجوانان ناسازگار، والدین آنان اغلب خودمحور بودند و مسائل را از دید خودشان نگاه می‌کردند و وقتشان را صرف امور خود می‌کردند و به نیازها و خواسته‌های نوجوان توجهی نداشتند. همچنین نوجوانان ناسازگار اظهار نمودند که والدین آنان خیلی به مسائل روز آشنایی نداشتند و اصطلاحاً قدیمی فکر می‌کردند و در دنیای گذشته و با نگرش‌ها و ارزش‌های گذشته زندگی می‌کردند. در مقابل، ادراکات نوجوانان گروه سازگار نسبت به والدین خود، والدین ایثارگر و والدین به‌روز بود. نوجوانان سازگار گزارش نمودند که اغلب والدین آنان افرادی از خودگذشته و حمایتگر بودند که خیلی از اوقات به خاطر آن‌ها از راحتی‌های خود چشم‌پوشی می‌کردند و تلاش می‌نمودند تا بتوانند برای فرزندان شرایط بهتری فراهم نمایند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ایل بیگی و رستمی (۱۳۹۵)؛ سلطانی و ینالی (۱۳۹۸)؛ علوی و رضانی (۱۳۹۹)؛ کورلیتز و گاربر (۲۰۱۶)؛ هانگ و همکاران (۲۰۱۷)؛ هو و همکاران (۲۰۱۹) همسوست؛ مبنی بر اینکه نشان دادند بین مؤلفه ادراک حمایتگری والدین و مسائل نوجوانان ارتباط معناداری وجود داشت. ادراکات نوجوانان نسبت به تعاملات، مضمون اصلی دیگری بود که مشارکت‌کنندگان گزارش نمودند. یافته‌ها نشان داد که دیدگاه و ادراکات نوجوانان سازگار و ناسازگار نیز نسبت به گفت‌وگوها و تعاملات با والدینشان متفاوت بود. از تحلیل یافته‌ها در گروه نوجوانان سازگار دو مضمون ارتباط مشارکتی و گفتگوی ثمربخش به دست آمد. آنان مفهیمی همانند؛ داشتن احساس آزادی، مشارکت در تصمیم‌های خانوادگی، رابطه مثبت و حمایتی والد - فرزند، سطح بالای گرمی و پذیرش، ایجاد تعاملات مثبت یادگیری، ایجاد مقررات واضح و بدون ابهام در خانه، برخورد با زیر پا گذاشتن مقررات از طریق بحث هدایت‌شده، احساس امنیت، سطح پایین انتقاد، استرس و پرخاشگری پایین، رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، مهرورزی در گفتگو، منطقی بودن بحث، حل مسئله را گزارش دادند. در صورتی که از گزارشات نوجوانان ناسازگار دو مضمون ادراک ارتباط کنترل‌گرایانه و گفت‌وگوی بی‌ثمر استخراج شد. نوجوانان ناسازگار اغلب تعاملات خود با والدینشان را جنگ قدرت توصیف می‌کردند که والدین می‌خواهند به هر روشی که شده بر آن‌ها سلطه داشته باشند و از موضع بالاتر با آن‌ها برخورد می‌کردند تا حرف خود را به کرسی بنشانند. گفت‌وگوهایی که اغلب به مشاجره و دعوا ختم می‌گردید. آن‌ها این‌گونه ادراک می‌کردند که قواعد خانوادگی یک‌سویه و به نفع والدین گذارده شده و ادراک می‌کردند این‌یک رابطه غیرمنصفانه بود که آن‌ها با بایدونبایدایی روبرو می‌کرد

که خود والدین از آن‌ها بری و آزاد بودند. همچنین آنان اظهار کردند که از گفت‌وگو با والدینشان احساس تنش و اضطراب می‌کردند و به همین دلیل ترجیح می‌دادند اغلب از گفت‌وگو با والدینشان اجتناب کنند زیرا از یک‌طرف برایشان تنش‌زا بود و از طرف دیگر این گفت‌وگوها و مذاکرات را بی‌ثمر و بدون هیچ نتیجه‌ای توصیف می‌کردند. این یافته مؤید نتایج آرمور و همکاران (۲۰۲۲)؛ ریبریو و همکاران (۲۰۲۲)؛ بی و همکاران (۲۰۱۸) و دی‌هان و همکاران (۲۰۱۸) بود. مبنی بر اینکه این پژوهش‌ها ادراک سبک‌های والدگری را مورد بررسی قرار دادند و گزارش کردند که نگرش‌های سلطه‌گرانه، مستلزم مفاهیمی چون اطاعت، احترام به مرجع قدرت و سختگیری بود و مؤلفه کنترل‌گری از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی بود که نوجوانانی آن را به صورت منفی ادراک کردند در روابطشان با والدین دچار چالش می‌شدند و این مؤلفه در مسائل مربوط به سازگاری خود نوجوان نیز تأثیرگذار بود. پژوهش حاضر مانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر با محدودیت مواجه بود. به دلیل وضعیت اضطراری و کاهش خطر عفونت برای مصاحبه‌شونده و شرکت‌کنندگان، داده‌ها از طریق مصاحبه تلفنی تصویری در قالب اینترنت جمع‌آوری شد. سرعت پایین اینترنت در بعضی از روزها و نبود زیرساخت‌های کافی یکی از محدودیت‌های مهم بود که باعث شد چند مصاحبه مجدد اجرا گردد. شرکت‌کنندگان از نوجوانان شهر تهران بودند و تعمیم‌یافته‌ها به دیگر جمعیت‌ها و شهرها باید با احتیاط انجام گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد کارگاه‌های آموزشی شیوه‌های فرزندپروری کارآمد برای والدین و برقراری تعامل صحیح با والدین برای فرزندان جهت بهبود الگوهای ارتباطی والد - فرزند در تمام مقاطع تحصیلی برگزار گردد.

### موازین اخلاقی

در پژوهش حاضر اصول اخلاقی پژوهش از جمله رازداری، محرمانه ماندن و حریم خصوصی افراد رعایت شد و شرکت در پژوهش هیچ‌گونه آسیب احتمالی برای شرکت‌کنندگان نداشته است.

### سپاسگزاری

از همه عزیزانی که صادقانه تجارب خود را به اشتراک گذاشتند و در اجرای پژوهش حاضر مشارکت داشتند، تشکر و قدردانی می‌شود.



**مشارکت نویسندگان:** نویسندگان در مقاله نقش یکسانی در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی مقاله داشته‌اند.

## تعارض منافع

نویسندگان مقاله هیچگونه تعارض منافع و حمایت مالی ندارند.

## منابع

ایل بیگی، رضا، و رستمی، مریم. (۱۳۹۵). نقش سبک‌های فرزندپروری، کمال‌گرایی و کیفیت دوستی در پیش‌بینی ولع مصرف افراد وابسته به مواد مخدر. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۰(۳۷):۱۱۳-۱۳۴. [پیوند]

سلطانی، لادن، و زینالی، علی. (۱۳۹۸). نقش شیوه‌های تربیتی، استعداد اعتیاد والدین و مزاج فرزند در پیش‌بینی استعداد اعتیاد دانش‌آموزان نوجوان، فصلنامه اعتیاد پژوهی. ۱۳(۵۴):۱۲۷-۱۴۶. [پیوند]

علوی، خدیجه، و رضانی، شیوا. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و شفقت به خود در پیش‌بینی آمادگی اعتیاد جوانان، فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی. ۱۴(۵۸):۸۹-۱۱۲. [پیوند]

والی نژاد، آرزو؛ نعمت طاووسی، محترم؛ رضابخش، حسین؛ کراسکیان موجمناری، آدیس؛ هواسی سومار، ناهید. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای نیازهای بین فردی، تعارض والد - نوجوان در رابطه بین سبک‌های والدگری، نیازهای بنیادین با جرح خویشتن خودکشی گرا، ایده پردازی خودکشی، فصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی کاربردی، ۳(۵۹):۵۳۷-۵۶۴. [پیوند]

Armour, J.A., Joussemet, M., Varin, R. (2022). Perceived Parenting and Borderline Personality Features during Adolescence, *Child Psychiatry & Human Development*, 69(3):533-545. [Link]

APA. (2002). *Developing adolescents: A reference for professionals*. Washington, DC: American Psychological Society. [Link]

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J. Early Adolesc.* 11(1):56-95. [Link]

Bi, X., Yang, Y., Li, H., Wang, M., Zhang, W., & Deater-Deckard, K. (2018). Parenting Styles and Parent-Adolescent Relationships: The Mediating Roles of Behavioral Autonomy and Parental Authority. *Frontiers in Psychology*. 9 (13): 21-87. [Link]

- Chentsova Dutton, Y.E., Choi, I.-J., & Choi, E. (2020). Perceived Parental Support and Adolescents' Positive Self-Beliefs and Levels of Distress Across Four Countries. *Front. Psychol.* 11(1):353-5645. [[Link](#)]
- De Haan, A., Prinzie, P., Sentse, M., & Jongerling, J. (2018). Latent difference score modeling: a flexible approach for studying informant discrepancies. *Psychological Assessment*, 30(3): 358–369. [[Link](#)]
- De Los Reyes, A., Ohannessian, C. M., & Racz, S. J. (2019). Discrepancies between adolescent and parent reports about family relationships. *Child Development Perspectives*, 13(6):53–58. [[Link](#)]
- Hou, Y., Benner, A. D., Kim, S. Y., Chen, S., Spitz, S., Shi, Y., & Beretvas, T. (2019). Discordance in parents' and adolescents' reports of parenting: a meta-analysis and qualitative review. *American Psychologist*, 75(2): 329–348. [[Link](#)]
- Huang, C. Y., Cheah, C. S., Lamb, M. E., & Zhou, N. (2017). Associations between parenting styles and perceived child effortful control within Chinese families in the United States, the United Kingdom, and Taiwan. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 48(6):795–812. [[Link](#)]
- Korelitz, K. E., & Garber, J. (2016). Congruence of parents' and children's perceptions of parenting: a meta-analysis. *Journal of Youth and Adolescence*, 45(3), 1973–1995. <https://doi.org/10.1007/s10964-016-0524-0>. [[Link](#)]
- Miranda, M. C., Affuso, G., Esposito, C., & Bacchini, D. (2016). Parental acceptance–rejection and adolescent maladjustment: Mothers' and fathers' combined roles. *Journal of Child and Family Studies*, 25(4): 1352–1362. [[Link](#)]
- Mickova, Z. (2022). Impulsivity of Adolescents and Parenting Styles in the Context of Experimentation with Smoking, *journal GRANT*, 10(2):22-26. [[Link](#)]
- Perez-Gramaje, A. F., Garcia, O. F., Reyes, M., Serra, E., & Garcia, F. (2019). Parenting Styles and Aggressive Adolescents: Relationships with Self-esteem and Personal Maladjustment. *The European Journal of Psychology Applied o Legal Context*, 12(1): 1 - 10. [[Link](#)]
- [Ribeiro](#)., O., [Freitas](#)., M., [Rubin](#)., K., [Santos](#)., A. (2022). USA and Portuguese Young Adolescents' Perceived Qualities and Satisfaction in Their Relationships with Mothers, Fathers and Best-Friends, *Children*, 9(1): 26 - 32. [[Link](#)]
- Steinberg, L. (2014). *Age of opportunity: Lessons from the new science of adolescence*. Boston, MA: Houghton Mifflin Harcourt. [[Link](#)]

- Warren., [R, Aloia](#), L. (2022). Parental Mediation of Cell Phone Use and Adolescent Autonomy, [Journal of Family Issues](#), 7(2), 69–88. [[Link](#)]
- Zuquette, C. R., Opaleye, E. S., Feijó, M. R., Amato, T. C., Ferri, C. P., & Noto, A. R. (2019). Contributions of parenting styles and parental drunkenness to adolescent drinking. *Brazilian Journal of Psychiatry*, 41(6): 511-517. [[Link](#)]

